

## مهدویت و دکتربن منجی گرایب و نقش آن در زمینه سازی ظهور در ادیان و مذاهب

### چکیده

هدف از نوشتن این پژوهش کاربرد بررسی مهدویت و دکتربن منجی گرایب و نقش آن در زمینه سازی ظهور در ادیان و مذاهب میباشد تا از این طریق مسأله دکتربن منجی گرایب و نقش آن در زمینه سازی ظهور در ادیان و مذاهب مختلف به عنوان یک راهبرد و یک موضوع بین ادیانی بازشناخته شود. اعتقاد به یک منجی و نجات بخش از روزگاران قدیم و در مناطق جغرافیایی گوناگون در میان تمام اقوام و ملل مشاهده می گردد و مردم در ضمیر خود پیوسته به دنبال یک نجات بخش بوده اند و این اعتقاد منحصر به ادیان و فرق چنین نجات بخش و فریادرسی برمی خوریم، مثل ادیان سرزمین های هند، مصر باستان، چین، ایران و یونان و ... . گرچه دنیای فعلی ما پیشرفت های زیادی از نظر صنعت و تکنولوژی و سایر مظاهر تمدن نموده است ولی اعتقاد به منجی پیوسته گسترده تر و فراگیرتر شده است به ویژه در روزگار ما با تبعیض ها و ستم هایی که ملل قدرتمند بر ملل ضعیف روا داشته است. جلوه اعتقاد به رهاننده و نجات بخش بیشتر شده است ما در این پژوهش به دنبال آن هستیم که مسأله اعتقاد به منجی را به عنوان یکی از ویژگی های فطرت انسانی که ریشه در درون انسان دارد به اثبات رسانیم و تأکید نماییم که اعتقاد به مهدی موعود از آنجا که ریشه در فطرت انسانها دارد عمومیت پیدا نموده است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی جمع آوری شده است.

**کلید واژگان:** دکتربن، مهدویت، اسلام، منجی گرایب، زمینه سازی ظهور

## **Mahdism and the doctrine of saviorism and its role in setting the scene for the emergence of religions and religions**

### **Abstract**

The purpose of writing this applied research is to examine Mahdism and the doctrine of saviorism and its role in the context of the emergence of religions and religions, so that the issue of the doctrine of saviorism and its role in the context of the emergence of different religions and religions can be recognized as a strategy and an interfaith issue. Belief in a savior and savior has been observed since ancient times and in various geographical regions among all ethnic groups and nations, and people have been constantly looking for a savior in their conscience, and this belief is unique to religions and differences in such a savior and cry. We eat, like the religions of the lands of India, ancient Egypt, China, Iran, Greece, etc. Although our current world has made a lot of progress in terms of industry and technology and other manifestations of civilization, the belief in a savior has become more and more widespread, especially in our time with the discrimination and oppression that powerful nations have allowed on weak nations. The manifestation of belief in the savior has increased. In this research, we seek to prove the issue of belief in the savior as one of the characteristics of human nature, which is rooted within man, and to emphasize that belief in the promised Mahdi Since it is rooted in human nature, it has become common. This article is collected by descriptive-analytical method.

**Key words:** doctrine, Mahdism, Islam, saviorism, setting the scene for emerg

اعتقاد به منجی و مصلحی جهانی ایده‌ای فراگیر و همگانی است، به جز کسانی که به تاریخ نگاه بدبینانه و منفی دارند، پیروان مکتب‌ها و ادیان مختلف، ایده مهدویت به معنای مزبور را باور دارند. باید به دنبال آموزه‌های بود اعتقادی، جهانی، فراگیر و فرادینی و بین‌الادیانی، اصیل و ریشه‌دار آرمانی، حیاتی و حیات‌بخش، سرنوشت‌ساز، منطق به ما و عصر ما، نویدبخش و پایان‌بخش همه اختلافات مذهبی و غیرمذهبی برطرف‌کننده مشکلات انسان‌ها، برآورده‌کننده آرزوها و خواسته‌های همه انسان‌ها در طول تاریخ، تعیین‌کننده حرکت جوامع، تحول‌آفرین و الگوساز در تمامی عرصه‌ها و ساحت‌های حیات بشری و بالاخره دارای قدرت انفجاری عظیم و بی‌دلیل در بسیج‌توده‌ها و ملت‌ها در مقابله با همه ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها. آموزه‌ای با این‌گونه اوصاف و توانمندی به جز مهدویت نمی‌توان یافت و در میان اصطلاحات رایج در ادبیات جهانی نیز اصطلاحی گویاتر و مناسب‌تر از دکتربین به نظر نمی‌رسد.

دکتربین مهدویت اکسیر حیات‌بخش است که مس وجود انسان‌ها و ملت‌ها را به رغم همه‌ی اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی که دارند به زر ناب بدل می‌سازد و همه‌ی عالم و آدم را متحوّل می‌کند. دکتربین مهدویت عصای موسی در برابر ساحرانی است که در فصل پایان تاریخ، دل و هوش از همگان برده‌اند.

ضرورت دکتربین مهدویت آنجاست که این طرح می‌تواند به عنوان یک آموزه بین‌ادیان و ضرورت وجود یک مصلح و منجی جهانی با شاخصه‌های شیمی و در برابر نتیجه وحدت انسان‌ها و ملت‌ها در حول یک محور اساسی و درجه‌ای است برای فراخوان همه ادیان به اسلام که با آمدن امام زمان (عج) اسلام فراگیر و جهانی می‌شود. رعیت اجتماعی و جهانی زمینه‌پیدایش دولت کریمه حضرت می‌شود و در آن دولت اسلام و مسلمین عزیز می‌شوند. (پورسیدآقایی، 1384ش، 7-9)

## 2- بحث:

### تعریف واژه دکتربین:

دکتربین (Doctrine) در فرهنگ نامه‌های لغات و اصطلاحات سیاسی به معنای «آیین، اصول عقیده، نظریه، تعلیم، مکتب، اصل سیاسی، نظریه، آموزه، اصول (عقاید) تعلیمات، تعالیم و...» به کار رفته است. در فرهنگ نامه‌های لغت فارسی نیز به معنای دو نظریه، اندیشه، فکر، آموزه، مسلک، عقیده، رای، آیین، اندیشه و... آمده است.

1) دکتربین در اصطلاح، کاربردها و مفاهیم گسترده و متنوعی دارد، ولی مهمترین کاربرد آن در مباحث سیاسی و روابط بین‌الملل است؛ بر این اساس دکتربین، به «بیان دقیق اصول و نظریات و

معتقدات سیاسی یک شخصیت سیاسی» یا «طرز تفکر و خط مشی دولت‌مردان در امور سیاسی» گفته می‌شود. دکترین‌های روسای جمهور آمریکا، از مشهورترین آموزه‌ها و نظریات ارائه شده در عرصه بین‌الملل است که تأثیرات زیادی بر تحولات سیاسی داشته است مانند: دکترین مونرو (1823م)، دکترین ترومن (1947م)، دکتر آیزن‌هاور (1957م)، دکترین نیکسون (1969م)، دکترین کارتر (1980م)، دکترین ایگان و ... بر این اساس معمولاً به مجموعه اقدامات و خط مشی سیاسی یک دولتمرد - که ممکن است دولتمردان قبل و بعد از او باشد - اطلاق نمی‌شود، بلکه بخشی از اقدامات و سیاست‌های او را - که جنبه ابتکاری داشته و آثار مهمی را به جای می‌گذارد، دکترین وی می‌نامند.

2) در معنای عام‌تر و گسترده‌تر، دکترین، «مجموعه‌ای از نظام فکری، مبتنی بر اصول خاص» است. دکترین به مجموعه عقاید و افکار و نظریات پیروان یک نگرش و گرایش خاص حقوقی، سیاسی و ادبی یا فلسفی یا علمی نیز گفته شده است. در دکترین، اصول اعتقادات قطعی و تصوّرات ذهنی محکمی جای دارد. گاهی نظام فکری و مذهبی خاصی را دکترین آن نظام فکری و مذهبی نام نهاده اند. مثل، دکترین بقای روح و پاره‌ای از دکترین‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی (مثل دکترین صدور انقلاب و ...) همچنین «مجموعه عقایدی است که در باب توجیه و بیان تفسیر قواعدی (مثلاً سیاسی) از طرف علمای فن اظهار شده است».

3) دکترین گاهی، یا یک بار منفی به کار می‌رود و در این صورت اصول معتقدات معمولاً خشک و بی‌تحرک یک گروه سیاسی را بیان می‌کند. معنای دیگر این واژه در شکل صفت آن، به کار گرفته می‌شود و در این صورت جنبه طنز نیشدار دارد، برای مثال می‌گویند: رفتار و گفتار فلان شخصیت سیاسی، «دکترینر» است و این بدان معنا است که شیوه برخورد او در سیاست، مدرسی و معلم‌وار است!! (به کسی که حافظ یا مبلغ یک نگرش و بینش خاص است، دکترینر نیز گویند).

4) با توجه به مطالب پیش گفته، میتوان دکترین را دو مفهوم متمایز به کار برد.

الف: نظریه و تعالیم علمی، فلسفی، مذهبی و مجموعه‌ای از نظام‌های فکری است که بر پایه اصول معینی مبتنی باشد.  
ب: تنظیم اصولی که بر طبق آن دولت‌ها «به وسیله رئیس دولت» مشی خود را، به ویژه در روابط بین‌الملل - تعیین می‌کنند.

تعریف دوم کاربرد شایع‌تر و فزون‌تری نسبت به گزاره اول دارد، اما آن که در این پژوهش مورد نظر است تعریف نخستین از دکتربین است. (کارگر، 1384ش، 19)

### **مفهوم ظهور**

ظهور در لغت: آشکار شدن چیز پنهان پدیدار شدن و هویدایی را گویند (دهخدا، 1377ش) ظهور در مباحث مهدویت به معنای ظاهر شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از زیستن طولانی، جهت پریایی حکومت عدل جهانی است. نکته مهم در ظهور، مسبوق بودن آن به غیبت است.

نقش: کنایه از طرح تازه افکندن و صورت نو ظاهر ساختن می‌باشد. (فراهیدی، 1409ق)

### **مهدی در سایر ادیان**

عقیده به مهدی موعود به مسلمانان اختصاص دارد یا در سایر ادیان نیز چنین عقیده‌های هست؟

عقیده مذکور به مسلمانان اختصاص ندارد بلکه تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده شرکت دارند. پیروان همه ادیان عقیده دارند که، در یک عصر تاریک و بحرانی جهان که فساد و بیدادگری و بیدینی همه جا را فرا گیرد، یک نجات دهنده ی بزرگ جهانی طلوع می‌کند و به واسطه‌ی نیروی فوق‌العاده غیبی اوضاع آشفته جهان را اصلاح میکند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادی‌گری غلبه می‌دهد. این نوید خوش را نه تنها در تمام کتاب‌هایی که به عنوان کتاب آسمانی باقیمانده مانند کتاب زند و یازند و کتاب «جاماسبنامه» که از کتاب‌های مقدس زردتشتیان می‌باشند، کتاب تورات و ملحقات آن که کتاب مقدس یهود شمرده می‌شود و کتاب انجیل عیسویان، می‌توان پیدا کرد، بلکه در کتاب‌های مقدس براهمه و بوداییان نیز کم و بیش دیده می‌شود. همه اربابان ملل و ادیان این عقیده را دارند و در انتظار چنین موعود نیرومند غیبی بسر می‌برند. هر ملتی او را با لقب مخصوصی می‌شناسد. زردتشتیان او را بنام سوشیانس (نجات دهنده)، جهودان بنام سرور میکائیلی، عیسویان بنام مسیح موعود، مسلمانان بنام مهدی منتظر می‌نامند. لیکن هر ملتی آن نجات‌دهنده‌ی غیبی را از خودش محسوب می‌دارد. زردتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می‌دانند و جهودان، از بنی‌اسرائیل و پیروان موسی می‌شمارند، عیسویان او را هم کیش خودشان می‌دانند و مسلمانان از دودمان بنی هاشم و فرزند پیغمبرش می‌شمارند. در اسلام بصور کامل معرفی شده لیکن در سایر ادیان چنین نیست.

نکته قابل توجه این است که علائم و مشخصاتی که در سایر ادیان برای آن نجات دهنده‌ی بزرگ ذکر شده در مورد مهدی موعود اسلام یعنی فرزند بلا فصل امام حسن عسکری (ع) نیز قابل انطباق است. مهدی از دودمان و خاندان بنی اسرائیل نیز شمرده می‌شود، زیرا بنی‌هاشم و بنی اسرائیل هر دو از نسل ابراهیم بوجود آمده‌اند. بنی‌هاشم و بنی اسرائیل در واقع از یک خاندان محسوب می‌شوند. به عیسویان نیز نسبت دارد، زیرا بر طبق بعضی روایات، مادر حضرت صاحب الزمان یک شاهزاده خانم رومی بوده بنام نرجس (نرگس)، که به صورت یک داستان شگفت‌انگیزی در کتاب‌ها دیده می‌شود.

اصولاً این مطلب درست نیست که مهدی نجات دهنده‌ی جهان را به یک ملت معینی اختصاص دهیم. او می‌آید که با عناوین اختلاف‌انگیز از قبیل این نژاد و آن نژاد، این دین و آن دین، این ملت و آن ملت، این کشور و آن کشور مبارزه کند. بنابراین باید او را مهدی موعود جهانیان شمرد. نجات‌دهنده و حمایت‌کننده‌ی حزب خداپرستان می‌باشد. پیروزی او پیروزی تمام انبیاء و پیامبران و مردان صالح است. از دین اسلام یعنی دین تکامل یافته آئین حضرت ابراهیم و موسی و عیسی و سایر ادیان آسمانی حمایت می‌کند و از دین واقعی موسی و عیسی که به وجود محمد (ص) و نبوت او بشارت داده‌اند طرفداری می‌نماید. ناگفته نماند که ما نمی‌خواهیم برای اثبات مهدی موعود، به بشارت‌های کتب قدیم استدلال کنیم و اصولاً احتیاجی بدانها نداریم. بلکه می‌خواهیم بگوئیم که عقیده به ظهور یک نجات دهنده‌ی فوق‌العاده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است که از مصدر وحی سرچشمه گرفته و همه پیامبران بدان بشارت داده‌اند. و همه ملل در انتظار آن هستند لیکن در تطبیق آن خطا شده است.

#### **مفهوم مهدویت:**

اصطلاح مهدویت به مکتب‌های فکری اطلاق می‌شود که شاخصه اصلی آن اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی و رهاننده باشد. ارکان عمده‌ی این مکتب‌ها که ریشه در باورهای دینی دارد عبارتند از:

الف- اسارت ؛ ب- غیبت ؛ ج- انتظار ؛ د- نجات

در توضیح مهدویت گفته‌اند که فریاد قومی که در وضعیت اسفبار گرفتار شده و متحمل رنج‌ها و مصائب می‌شوند، چشم به راه ظهور فرد یا گروهی دارد که در اختفاء و غیبت به سر برده و در آینده ظهور خواهد کرد و نجات و رهایی انسان‌ها را به ارمغان خواهد آورد.

البته مهدویت عناصر و ارکان دیگری نیز دارد که به تبع چهار رکن اصلی در زمان مقتضی پدید خواهد آمد عناصر و ارکانی مانند تحول در آداب و شعائر دینی و تغییر در نظام بشری و هر روی بحث مهدویت با

عناصر دینی همچون Messianism (به معنای مهدویت باوری)، مسیحا باوری و موعود باوری Millenniumism (به معنای هزاره گرایی)، اعتقاد به هزاره سلطنت مسیح و اعتقاد و به عصر سعادت و Futurism (تعبیر دکتر علی شریعتی) (به معنای آینده گرایی) مطرح میشود؛ البته هرکدام از این کلمات معمولاً در یک حوزه مطالعاتی خاص- اعم از سیاسی، اجتماعی، دینی و حتی علمی و ادبی کاربرد بیشتری دارد. از این رو سعی شده است تا حتی الامکان مسأله مهدویت با رویکردهای مختلفی مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد.

### **امام مهدی (ع) در آیات قرآن**

تردید نیست که از نظر جامعه اسلامی، کلیه مفاهیم و معتقدات اصیل اسلامی ریشه در کلام الهی دارد و عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) نیز که یکی از معتقدات اصیل اسلامی ریشه در کلام الهی دارد و عقیده ظهور حضرت مهدی (عج) نیز که یکی از اصول اسلامی است، صورت کلی و مابیه اساسی آن در کتاب خدا «قرآن» تجلی یافته و این کتاب بزرگ آسمانی در این زمینه نیز مانند زمینه های دیگر، یک بحث کلی و اصولی مطرح نموده است و فرا رسیدن آن روز فرخنده و مبارک را به تمام پیروان اسلام بشارت داده است.

در این زمینه، آیات متعددی در قرآن کریم وارد است که پیشوایان دینی آنها را به وجود مقدس مهدی (عج) و ظهور مبارک آن حضرت تفسیر و تأویل کرده اند. ما برای مزید اطلاع و اثبات مدعای خود آنها را در اینجا می آوریم.

اینک آیاتی که به وجود مقدس مهدی (عج) تفسیر و یا تامل شده است.

### **1- سوره بقره**

**آیه اول:** «هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب» (بقره: 2-3). (قرآن) هدایت است برای پرهیزگاران، آنان که به غیب ایمان می آورند.

جابر بن عبدالله انصاری ضمن نقل حدیث مفصلی می گوید: جندل بن جناده بن جبیر یهودی نزد رسول خدا (ص) آمده و پس از دریافت پاسخ سوالی که مطرح نموده، اسلام آورده آنگاه درباره اوصیای رسول خدا از آن حضرت پرسش نمود. پیامبر خدا در جواب او نام یکایک آنان را برشمرد تا اینکه فرمود:

«... پس از او (یعنی بعد از امام حسن عسکری (ع) فرزندش محمد است که مهدی قائم و حجت خوانده می شود او را از دیده ها پنهان میشود و سپس ظاهر می گردد و هنگامی که ظهور کند، زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود همان گونه که پر از ظلم و ستم شده است.»

سپس فرمود: «خوشا به حال آنان که در زمان غیبت او صبر می‌کنند و خوشا به حال کسانی که در محبت آنها ثابت قدم می‌مانند؛ آنها همان اهل تقوا هستند که خداوند در کتاب خود توصیفشان نموده و فرموده است: «هدی للمتقین الذین یومنون بالغیب» (قندوزی، 1393 ش، ج 3، 284)

امام صادق(ع) نیز در تفسیر این آیه فرموده است: «متقین، شیعیان علی ابن ابیطالب(ع) نیز هستند و غیبت، حجت غایب است.» (مجلسی، 1403 ق، 52)

در حدیث دیگری در همین رابطه آمده است که فرمود: «الذین یومنون بالغیب»، در حق کسانی است که به قیام حضرت قائم (عج) ایمان بیاورند و آن را حق بدانند.»

آنچه از این احادیث استفاده می‌شود این است که: «مقصود از متقین، همان مومنان به حضرت مهدی(عج) می‌باشند و غیبت خود آن حضرت است. چرا که غیبت چیزی است که از حواس پنجگانه پنهان می‌باشد و همانگونه که خداوند و جهان آخرت غیبت محسوب می‌شود، بدین دلیل که با حواس پنجگانه درک نمی‌شود، حضرت مهدی(عج) نیز غیبت است. چرا که آن حضرت در زمان غیبت با روایتی عمومی که به واسطه آن شناخته شود» یعنی یا کسی ایشان را نمی‌بیند و یا اگر هم او را ببیند نمی‌شناسد و فقط عده ای محدود به زیارت ایشان مشرف می‌شوند.» (قاضی زاهدی، 1394 ش، 10) «و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن» (بقره: 124) هنگامی که حضرت ابراهیم را پروردگارش به وسیله کلماتی آزمود، پس آنها را به انجام رسانید.

مفضل ابن عمر در تفسیر این آیه مبارکه گوید: درباره این آیه مبارکه «و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات...»، از امام صادق (ع) پرسش نمودم، حضرت فرمود: «این همان کلماتی است که حضرت آدم از پروردگار خود دریافت نمود. پس تمام آن کلمات به پیشگاه پروردگار توبه نمود و خداوند توبه اش را پذیرفت.»

گفتم: ای فرزند رسول خدا: مقصود از «فاتمهن» در این آیه چیست؟ فرمود: «مقصود این است که: خداوند آنها را تا قائم مهدی (عج) به اتمام رسانید و دوازده امام (ع) را که 9 تن آنان از فرزندان حسین(ع) می‌باشند، برای او بیان فرمود.»

### **آیه سوم:**

«و لنبلونکم بشی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الثمرات و بشر الصابین» ما شما را به چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می‌آزماییم و مرده بده به آنها که شکبیا و ثابت قدم هستند.

محمد ابن مسلم گوید: امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمود:  
«پیش از آمدن قائم علامت‌هایی برای امتحان مؤمنین خواهد بود».

عرض کردم: آن علامت‌ها چیست؟ فرمود:  
«بیماری‌های گوناگون که سبب ترس و دلهره است و بالا رفتن  
نرخ‌ها که سبب گرسنگی است و کاهش در اموال و جان‌ها که قحطی  
و مرگ‌ومیر فراوان است و نقص در محصولات که به نیامدن است.  
پس در آمدن موقع به آنها که در عقیده به ما ثابت می‌مانند مژده  
بده».

آنگاه فرمود: «ای محمد: این تأویل آیه است و هیچکس جز آنها که  
راسخ در علم‌اند، تأویل آن را نمی‌داند و مائیم راسخان در علم».  
(قندوزی، 1393ش : ج 3، 235)

## 2- سوره آل عمران

«افغیر دین الله بیغون و له اسلم من فی السماوات و الارض  
طوعا و کرها و الیه یرجعون» (آل عمران: 83)  
« آیا جز دین خدا را می‌جویند؟ با آنکه آنچه در آسمان‌ها و زمین  
است خواه و ناخواه تسلیم او هستند و به سوی او باز گردانیده  
می‌شوند».

در تفسیر این آیه شریفه و جهانی شدن آیین توحید و حاکمیت  
آخرین دین خدا بر سرتاسر جهان، روایات چندی از حضرات  
معصومین (ص) رسیده است که به قسمتی از آنها در اینجا تبرک  
می‌جوئیم:

**امام باقر(ع) در مورد ظهور حضرت قائم (عج) می  
فرماید:**

«هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، هیچ آبادی و سرزمینی  
در روی کره‌ی زمین باقی نمی‌ماند مگر اینکه ندای «لا اله الا الله و  
محمداً رسول الله» در آنجا بلند شود و این همان گفتار خدای تعالی  
است که (وله اسلم من السموات و الارض...) و حضرت صاحب  
الامر (جزیه) را نمی‌پذیرد چنان که رسول الله (ص) می‌پذیرفت و این،  
همان قول خدای تعالی است که، با کافران بجنگید تا هیچ فتنه‌ای باقی  
نماند و دین تماماً از آن خدا باشد».

## 3- سوره نساء

«و ان من اهل الكتاب الا لیومنن به قبل موته و یوم القیامه یکون  
علیهم شهیدا» (نساء: 159)  
و هیچ یک از اهل کتاب نیست جز اینکه پیش از مرگ، به او (یعنی  
حضرت مهدی (عج)) ایمان می‌آورد.

پیش از آنکه درباره تفسیر این آیه شریفه سخنی بگوییم، لازم است نکته ای را یادآور شویم و آن اینکه، در مورد ضمیر «موتہ» دو احتمال است؛ یکی اینکه به اهل کتاب برگردد و دیگر اینکه به حضرت عیسی (ع)، بنا بر احتمال اول، معنای آیه شریف این است که «احدی از اهل کتاب نیست جز اینکه پیش از مرگ، به حضرت عیسی (ع) ایمان آورد».

برخی از مفسران اهل سنت که احتمال اول را برگزیده اند ناچار شده اند که توجیحات عجیب و غریب را در مورد آیه شریفه ملتزم شوند؛ ولی بنا بر احتمال دوم، معنای آیه بسیار روشن است. چون طبق عقیده قطعی ما مسلمانان، حضرت عیسی (ع) هنوز زنده است و بعد از ظهور حضرت بقیه الله، او نیز از آسمان نازل شده و از یاران و اصحاب آن حضرت خواهد بود. و اینک در رابطه با تفسیر آیه شریفه به یک روایت که از طریق معصومین (ع) رسیده است، تبرک می جویم:

1- علامه قندوزی حنفی، در تفسیر آیه مزبور از محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت کرده است که فرمود: «حضرت عیسی (ع) پیش از روز رستاخیز به دنیا فرود می آید؛ پس پیروان هیچ ملتی، نه یهودی و نه غیر یهودی، باقی نمی ماند مگر اینکه پیش از مرگشان، به او ایمان می آورند و حضرت عیسی (ع) در پشت سر حضرت مهدی (عج) نماز می خواند.» (قندوزی، 1393 ش، ج 3، 237)

و مانند این روایت را علامه ابن صباغ مالکی و نیز کسان دیگری غیر از او در کتاب های خود نقل کرده اند.

## 2- سوره انفال

« و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین کله لله » (انفال: 39) با کافران بجنگید تا فتنه ای باقی نماند و دین یکسره از آن خدا باشد.

محمد بن مسلم گوید: محضر امام محمد باقر (ع) عرض کردم: تأویل قول خدای تعالی در سوره انفال که می فرماید: «و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه...» چیست؟ فرمود: «تأویل این آیه هنوز نیامده است و هنگامی که تأویل آن بیاید با مشرکان پیکار خواهد شد تا وقتی که یگانگی خدای تعالی را بپذیرند و شرکی در روی زمین باقی نماند و این در زمان قیام (قائم) ما خواهد بود.» (قندوزی، 1393 ش، ج 3، 239)

و در یک روایت دیگر از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «... تأویل این آیه هنوز نیامده است. هنگامی که قائم ما (ع) قیام کند، هر کس که زمان او را درک کند، تأویل این آیه را می بیند که، هر کجا را

که تاریکی شب فرا گیرد آیین محمد(ص) آنجا را فرا خواهد گرفت تا اینکه دیگر شرکی در روی زمین باقی نباشد» (البحرانی، 1389ش، 81)

- نکته مهمی که در اینجا قابل ذکر است این که: تغییر این حدیث بسیار جالب است به خصوص که تاریکی شب را مثال آورده و روشنایی روز را مثال نزده است؛ زیرا شمول تاریکی بیش از روشنایی است، چون ممکن است در روی زمین نقطه ای یافت شود که نور به آنجا راه پیدا نکند؛ ولی تاریکی همه جا را فرا میگیرد و هیچ نقطه ای مستثنی نیست.

هنگامی که آفتاب عالمتان امامت ظهور کند همه جهان به نور پروردگار منور می شود و آثار قیام شکوهمند آن مهر تابان در تمام ذرات عالم آشکار میشود.

آری هنوز تاویل این آیه واقع نشده است؛ زیرا به طوری که می دانیم، نه در زمان رسول خدا(ص) و نه در دوران احدی از خلفاء و نه هم در روزگار هیچ یک از اوصیا، زمانی که در آن، جز دین حق، دین دیگری در روی زمین وجود نداشته باشد، به طور کامل در دنیا پدید نیامده است و بنابراین، شکی نیست که چنین وضعیتی فقط در زمان حضرت مهدی(عج) تحقق خواهد یافت.

### 3-سوره توبه

«هو الذی رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون». (توبه:33) او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دینی حق فرستاد تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند اگر چه مشرکان ناخوشنود باشند.

این آیه مبارکه در سه سوره از قرآن کریم تکرار شده که اهمیت این وعده الهی بخوبی روشن می شود؛ ولی مهم این است که، این وعده خداوند کی محقق می شود؟ زیرا مسلم است که تاکنون این وعده خداوند تحقق نیافته و هم اکنون ادیان باطل و ادیان آسمانی تحریف شده در روی زمین وجود دارند و شکی نیست که وعده خداوند تخلف ناپذیر است. بنابراین، باید دید طبق روایات و مدارک معتبر اسلامی هنگام تحقق این وعده بزرگ که تحقق قول و پیمان خداوند است، چه وقت خواهد بود؟

آنچه از مجموع روایات معتبر و احادیث متواتر اسلامی که از طریق شیعه و سن روایت شده استفاده می شود این است که این آیه مبارکه، مربوط به زمان ظهور مبارک حضرت مهدی(عج) است؛ زیرا در زمان حکومت حضرت مهدی(عج) است که دین مقدس اسلام در سراسر زمین حاکم می شود و بشر پیرو یک آیین می گردد و نشانی از ادیان باطل و تحریف شده در روی زمین باقی نمی ماند.

اینک برای اثبات این مطلب به احادیث چندی که در این باره می آوریم، توجه فرمایید:

1- مقداد بن اسود گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود: «لایبقی علی ظهر الارض بیت مدر و بر الا ادخله الله(علیهم) کلمه الاسلام، اما بعزیز و اما بذل ذلیل، اما یعزهم فیجعلهم من اهلها فیزوا به و اما یدلهم فیدینون له». (نیشابوری، 373ق، ج4، 476) در روی زمین هیچ خانه خشیت و گلی و خیمه موپین نمی ماند مگر اینکه خداوند آیین اسلام را در آن خانه وارد می کند، یا با عزت و سربلندی یا با ذلیت و خواری، یا اینکه اسلام را می پذیرند و خداوند آنها را سربلند می گرداند یا اینکه به ناچار در برابر اسلام سر تعظیم فرود می آورند».

1- مرحوم محدث بحرانی در ذیل همین آیه در کتاب «المحج» حدیثی را از امیرمومنان علی(ع) بدین صورت نقل می کند. «عن عمران بن میثم، عن عبایه بن ربیع، انه سمع امیرالمومنین(ع) یقول: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لینظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون. اظهر بعد ذلک؟» قالوا: نعم.

قال: «کلا، فوالذی نفسی بیده حتی لاتبقی قریه الا و ینادی فیها بشهاده ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله بکرة و عشیا» (بحرانی، 1393ش، 87)

«عمران بن میثم، از عبایه بن ربیع روایت می کند که امیرمومنان علی(ع) این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «او خداوندی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب و پیروز گرداند هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند.» سپس فرمود: آیا این غلبه و پیروزی تحقق یافته است؟ گفتند: آری

فرمود: «نه، هرگز سوگند به خدایی که جان علی در قبضه قدرت اوست. این غلبه و پیروزی محقق نمی شود مگر هنگامی که هیچ آبادی در روی زمین باقی نماند، جز اینکه هر صبح و شام در آن بانگ «لا اله الا الله و محمد رسول الله» بلند شود».

## 6 - سوره هود

«بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین» (هود: 86) یکتا باز مانده خدا برای شما بهتر است اگر مومن هستید.

امام باقر(ع) در تائیل این آیه شریفه می فرماید: «هنگامی که مهدی ما ظاهر شود به خانه کعبه تکیه می دهد و 313 تن از یاران خاص او به دورش گرد می آیند. اولین سخنی که بر زبان مبارکش جاری می شود این آیه شریفه است: «بقیه الله خیر لکم ان کنتم

مومنین». سپس می‌فرماید: «من بقیه الله، خلیفه الله و حجه الله هستم بر شما، انگاه احدی بر آن حضرت سلام نمی‌کند جز اینکه می‌گوید: «السلام علیک یا بقیه الله فی الارض»؛ سلام بر تو ای بازمانده خداوند در زمین.

«بعد از آن، چون یاران دیگر آن حضرت که یک گروه ده هزار نفری می‌باشند به دور او گرد آمدند، یهودی و نصرانی و کسی که غیر خدای تعالی را پرستش می‌نموده، باقی نمی‌ماند جز اینکه ایمان می‌آورد و او را تصدیق می‌نماید و همه ملت‌ها یکی می‌شود و آن هم ملت اسلام است و پس از آن، برای هر معبودی که به جز خدای تعالی مورد پرستش بوده، آتشی از آسمان می‌آید و او را می‌سوزاند.» (مجلسی، 1440ق، ج 52، 92) (محمدحسن شراب، 1373ش، 349)

### 7 - سوره اسراء

«و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا» (اسراء: 33) و آن کس که مظلوم کشته شده، ما به ولی او حکومت (و حق قصاص) دادیم که در کشتن اسراف و زیاده روی نکند که او از جانب ما «منصور» و مورد حمایت است. علامه قندوزی در کتاب «ینایع المعود» در تفسیر این آیه مبارکه آورده است که این آیه درباره حسین بن علی و مهدی (ع) نازل شده است. و از امام محمد باقر (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

«حسین (ع) مظلوم کشته شد و ما اولیا و وارث خون او هستیم و قائم ما به خون‌خواهی حسین (ع) قیام خواهد کرد. پس هر کسی که به کشتن آن حضرت راضی بوده است به قتل می‌رساند تا آنجا که خواهند گفت: او در کشتار اسراف می‌کند.» (قندوزی، 1393ش، ج 3، 244)

در تفسیر عیاشی نیز در همین رابطه از سلام بن مستنیر از امام باقر (ع) با تفصیل بیشتری نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «منظور از این جمله «و من قتل مظلوما» حسین بن علی (ع) است که مظلومانه کشته شد، و ما اولیا و خون‌خواهان او هستیم. هنگامی که قائم ما قیام کند به خون‌خواهی او و انتقام از دشمنان خدا بر می‌خیزد و به حدی دشمنان را به قتل می‌رساند که مردم گویند: او در کشتن اسراف و زیاده روی کرده است.»

سپس فرمود: «آن کسی که واقعا مظلوم کشته شده، حسین (ع) ولی او حضرت قائم است. و اما منظور از «اسراف در کشتار» این است که اشخاص دیگری غیر از قاتل اصلی او کشته شود.» و اما مقصود از این جمله «انه کان منصورا» این است که، حضرت قائم (ع) که ولی حقیقی حسین (ع) و مردی از دودمان رسول

خدا(ص) است، از دنیا نمی رود تا اینکه به پیروزی کامل برسد تا همه دنیا تسلط یابد و سراسر زمین را پر از عدل و داد کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد» (عیاشی، 1395ش، ج 2، 313).

در کتاب «کامل الزیارات» از محمد بن سنان روایت نموده است که:

مردی از تفسیر آیه شریفه «ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا» از امام صادق(ع) سؤال نمود. حضرت در پاسخ او فرمود:

«منصور، قائم آل محمد(ص) است که ولی خون حسین(ع) است و چون ظهور نماید، اقدام به خون خواهی حسین(ع) کند و دشمنان را بکشد و اگر همه اهل زمین را به قتل برساند، اسراف نکرده است. ومعنای «فلایسرف فی القتل» این است که او هرگز به کاری که اسراف محسوب شود دست نمی آید. سپس فرمود: به خدا سوگند که حضرت قائم (ص) بازماندگان و ذراری کشتندگان حضرت حسین (ع) را به واسطه کردار پدران و اجدادشان خواهد کشت (محمد بن سنان، ج 5، 63)

در کتاب «عیون الاخبار» از عبدالسلام بن صالح هروی روایت کرده است که گفت: به امام رضا(ع) عرض کردم که نظرتان درباره این حدیث «هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند، فرزندان قاتلان حسین (ع)) را به خاطر کردار پدرانشان می کشد، که از امام صادق(ع) روایت شده است، چه می باشد؟

حضرت فرمود: درست است.

گفتم: پس معنای این آیه که می فرماید: «ولا تزر وازره اخری» هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نخواهد کشید چه می شود؟

فرمود: «خداوند در تمام گفتارهایش راست و درست فرموده است، لکن فرزندان قاتلان حسین(ع) کسانی هستند که از کردار پدرانشان راضی هستند و به آن افتخار میکنند و هر کس که از کاری راضی باشد، مثل آن کسی است که آن را انجام داده است و اگر کسی در شرق عالم کشته شود و دیگری در غرب عالم، به این قتل راضی و خشنود باشد نزد خدای تعالی با قاتل شریک خواهد بود از اینرو، حضرت قائم(ع) آنها را به قتل می رساند. (عبدالسلام بن صالح هروی، 212)

### 8 -سوره نور:

«وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امانا یعدوننی لا یشرکون بی شیئا» (نور: 55) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته

انجام دادند وعده داده است که آنها را در روی زمین جانشین قرار دهد، همان‌گونه که کسانی را که قبل از ایشان بودند، جانشین ساخته بود و دینی را که برای ایشان پسندیده در جهان استقرار خواهد بخشید و ترس و هراسشان را بعد از وحشت به آرامش و امنیت مبدل خواهد ساخت تا تنها مرا بپرستند و شریکی برایم قرار ندهند.

علامه نیشابوری در تفسیر «غرائب القرآن» به هنگام تفسیر آیه شریفه «الذین یؤمنون بالغیب»، در سوره بقره می‌گوید: منظور از غیب که در این آیه شریفه آمده است. همان مهدی موعود است که خداوند در قرآن کریم به او وعده خلافت و جانشینی داده و فرموده است: «وعدالله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض».

در کتاب موعود قرآن این چنین آمده است که در برخی از رسول خدا(ص) نیز وارد شده که فرموده است: اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌کند تا این که مردی از امت من که نام او نام من و کینه او کینه من است ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد کند همانگونه که پر از ظلم و ستم شده باشد».

### **9- سوره قصص:**

«و نریدان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم الوارثین» (قصص:5) و ما اراده کرده ایم بر آنان که در روی زمین به ضعف کشیده شده اند، منت نهاده، آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

از امام محمد باقر(ع) و امام جعفر(ع) روایت شده است که آن دو بزرگوار فرموده اند: ای آیه مبارکه مخصوص به صاحب الامر است که در آخر الزمان ظاهر می‌شود و فرعونیان و جباران را نابود می‌سازد و شرق و غرب جهان را به تصرف خود در آورد و آن را چنان که پر از ظلم و ستم شده است مالمال از عدل می‌سازد.

علامه قندوزی نیز در ضمن حدیثی روایت کرده است که: ابو محمّد امام حسن عسکری(ع) در هفتمین روز ولایت فرزندش مهدی(ع) بدو گفت: سخن بگو، ای فرزند کوچکم. پس شهادتین بر زبان جاری نمود و بر پدران خویش یکی پس از دیگری صلوات فرستاد؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود: «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» (قندوزی، 1373 ش، باب، 79، 302)

**اسامی مقدس حضرت مهدی(عج) در کتب مذهبی اهل ادیان**

اینک قسمتی از اسامی مبارک آن حضرت را که بالفاظ مختلفی در بسیاری از کتب مذهبی اهل ادیان و ملل مختلف جهان آمده است، از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرانیم.

- 1- «صاحب» در صحف ابراهیم(ع)؛
- 2- «قائم» در زبور سیزدهم؛
- 3- «قیدمو» در تورات به لغت ترکون؛
- 4- «ماشیع» ( مهدی بزرگ) در تورات عبرانی؛
- 5- «مهمید» آخر در انجیل؛
- 6- «سروش ایزد» در زمزم زرتشت؛
- 7- «بهرام» در ابستاق زندو پازند؛
- 8- «بنده یزدان» هم در زند و پازند؛
- 9- «لند بطاوا» در هزار نامه هندیان؛
- 10- «شماخیل» در ارماتس؛
- 11- «خوراند» در جاویدان؛
- 12- «خجسته» ( احمد) در کندرال فرنگیان؛
- 13- «خسرو» در کتاب مجوس؛
- 14- «میزان الحق» در کتاب اثری پیغمبر؛
- 15- «پرویز» در کتاب برزین آذر فارسیان ؛
- 16- «فردوس اکبر» در کتاب قبروس رومیان؛
- 17- «کلمه الحق» در صحیفه آسمانی؛
- 18- «لسان صدق» هم در صحیفه آسمانی ؛
- 19- «صمصام الاکبر» در کتاب کند رال؛
- 20- «بقیه الله» در کتاب قنطره؛
- 21- «قاطع» در متاب قنطره؛
- 22- «منصور» در کتاب دید براهمه؛
- 23- «ایستاده» (قائم) در کتاب شکمونی؛
- 24- «ویشنو» در کتاب ریگ ودا؛
- 25- «فرخنده» ( محمد) در کتاب وشن جوک؛
- 26- «راهنما» ( هادی و مهدی) در کتاب پاتیکل؛
- 27- «پسر انسان» در عهد جدید ( اناجیل و ملحقات آن)
- 28- «سوشیانس» در کتاب زندو هومر من یسن، از کتب زرتشتیان؛
- 29- در کتاب «شاپوهرگان» کتاب مقدس «مولر» نام «خود شهر ایزد» آمده که باید در آخرالزمان ظهور کند؛ و عدالت را در جهان اشکار سازد؛
- 30- «فیروز» ( منصور) در کتاب شعیای پیامبر.

علاوه بر اینها اسامی دیگری نیز برای حضرت مهدی (عج) در کتب مقدسه اهل ادیان ذکر شده است که ما به جهت اختصار از نقل آنها خودداری نمودیم.

اسامی مقدسی چون: «صاحب، قائم، قاطع، منصور و بقیه الله» که در کتب مذهبی ملل مختلف آمده است، از القاب خاص وجود مقدس حضرت حجت بن الحسن العسگری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که در بیشتر روایات اسلامی، به آنها تصریح شده و ائمه معصومین علیهم السلام در اکثر روایات، از آن حضرت به عنوان «صاحب»، «قائم» و «بقیه الله» یاد کرده اند. و این خود بیانگر این واقعیت است که موعود همه امتها و ملت‌ها همان وجود مقدس منتظر غایب، حضرت حجت بن الحسن العسگری علیه السلام است.

### **فلسفه حکومت عدل جهانی**

عدل، از جمله مفاهیمی است که همیشه همراه مهدویت و انتظار بوده است. هر جا سخن از تشکیل حکومت الهی بوده به دنبال آن سخن از عدل رفته است. پیامبران آمدند تا مردم را به اقامه عدل دعوت کنند، مسیحای یهودیان می‌آید تا مستضعفان را یاری‌بخشد و در ادیان متفاوت و متعدّد موجود در جهان همواره ناظر اعتقادات متفاوتی حول محور ظهور موعود و اقامه قسط و عدل در جهان هستیم.

از اینرو بر آن شدیم تا در کنار بررسی مهدویت به عدل که از ثمرات آن است نگاهی گذرا بیاندازیم.

در اینجا نکاتی وجود دارد که توضیح آنها خالی از فایده نیست:

الف) عدالت مفهومی گسترده است و در دو فرهنگ اسلامی و یهودی به دو معنای کلی عاری بودن از نگاه و عمل به قسط به کار می‌رود. گرچه معنای نخست نیز بر اثر نوعی عمل به قسط و ایجاد تعادل در بین قوای درونی به وجود می‌آید. در این جا دو معنای عدالت که گاه جزو مشروط امامت است بیان شده است.

ب) در برخی قسمت‌ها به آیاتی از انجیل و یا تورات شده و نظریاتی از آن دو بیان شده که اولاً مبهم بوده و دیگر اینکه ما بدون توجه به صحت و سقم آن و به این دلیل که کل این مطالب جزء فرض مکتوب مسیحی محسوب می‌شوند به آن استشهاد کرده‌ایم.

### **معنای لغوی عدل:**

لغت عدل در معنی مساوات نیز بکار می‌رود. عدل از نظر معنایی نزدیک به واژه عدل است. تفاوت آنها این است که عدل در مورد چیزهایی بکار می‌رود که با بصیرت و ادراک انسان سروکار دارند؛ مانند احکام؛ اما عدل در مورد اموری بکار گرفته می‌شود که با حواس ظاهری درک می‌شوند مانند؛ اوزان، اعداد و پیمان‌ها.

این فارس برای ریشه (ع-د-ل) در اصل صحیح ذکر می‌کند: 1- برابری و 2- انحراف و کژی.

معنای اصطلاحی عدل: همچنین عبارتست از مساوات و پاداش و مکافات. یعنی برابر عمل کردن و برابر پاداش دادن و این تعریف مواردی چون قصاص و دیات را نیز شامل می‌شود.

تقسیم‌هایی که برای این مفهوم ذکر کرده‌اند: راغب اصفهانی در کتاب معروف خود (مفردات) پس از بیان معنی عدل به بیان این تقسیم‌بندی برای آن می‌پردازد: عدل دوگونه است:

1 = عدل مطلق یعنی عدلی که عقل انسانها به تنهایی آن را درک می‌کند و امری دائمی و مورد قبول تمامی عقلاست مانند نیکی کردن به پدر و مادر.

2 - عدالتی که در شریعت شناخته می‌شود یا به عبارت دیگر شرع آن را وضع می‌کند و ممکن است در زمان دیگر، تحت شرایط خاص و یا با منسوخ آن دین خاص، نسخ شود مانند احکام قصاص و دیه. در جای دیگر عدل را بر 4 روش دانسته‌اند:

- 1 عدل در حکم و داوری - 2 عدل در سخن گفتن - 3 عدل در معنای فدیة - 4 عدل در شرک ورزیدن. (اصفهانی، 1404ق، ج 1، 761)

شهید استاد مطهری در کتاب عدل الهی خود چهار مرتبه برای عدل قائلند؛ عدل تکوینی، عدل تشریحی، عدل اخلاقی و عدل اجتماعی.

عدالت در فرهنگ مسیحی-یهودی. عهدین بطور کلی و در عهد جدید (فرهنگ مسیحی) بطور خاص به معنای بیگناهی نیز بکار میرود و در این معنا بیشتر به معنای همان عدالتی است که در اسلام در شرایط امام جمعه و جماعت ذکر شده است؛ در کتاب مقدس عدالت شرعی، اطلاعات کاملی است که شریعت آن را از مردم تقاضا کرده است. آنطور که در قاموس کتاب مقدس بیان شده است عدالت نسبت به اشخاص دو معنی دارد:

1- راستی و درست کرداری مردم به یکدیگر 2- مذهب حقیقی البته معنا و مفهوم عدل در اسلام بسیار گسترده و دارای مراتب مختلفی است که در عهدین و یا هیچ کتاب دینی دیگری چه آسمانی و چه غیر آن به نظر نمی‌رسد که به موضوع عدل و عدالت تا این اندازه و توجه شده باشد؛ در حین حال تمامی ادیان الهی بر این عقیده‌اند که برای ایجاد یک زندگی بهتر باید عدل و میزان بر قرار شود و پیامبر اولوالعزمی چون موسی و عیسی (ع) بر لزوم اجرای آن در میان پیروانشان تاکید داشته‌اند:

نکته‌ای که در اینجا قابل اشاره و ذکر است این است که واژه عدل در عهدین لزوماً در همجا در همان معنای مورد نظر ما بکار

نرفته یعنی همانطور که بیان شد، گاه به همان معنای قسط بکار رفته و گاه نیز به معنای بیگناهی و حتی عصمت بکار رفته است. در عهد عقیق گاه دادگری را به معنای همخوانی کامل اندیشه و عمل با مشیت الهی دانسته اند. آنجا که در حکمت سلیمان باب 1 میفرماید: «دادگری را دوست بدارید ای شما که در کار داروی دنیا بیدارید».

همچنین در کتب مقدس شخص دادگر و عادل به هیچ روی مستوجب کیفر و عقوب نیست. دادگران در محکمه عدل الهی قرار نمیگیرند چون حسابشان پاک است (حکمت سلیمان باب 4 مرگ زودرس دادگر) و تمام عذاب از او برداشته میشود و در محبوب خود مقبول میشود. (ولپام گلن و هنری مرتن، 1380ش) همچنین مفهوم عدل در فرهنگ مسیحی، یهودی به معنا راستی (دو نیم کردن) و درستی نیز دانسته اند. و آن را از صفات باری تعالی می دانند.

### **عدالت در اسلام:**

نگاه اسلام به این مفهوم نگاهی وسیع است بطوری که تمام شئون هستی را در بر می گیرد، وقتی نظام یافتن زمین و آسمان را به آن می داند « بالعدل قامت السموات و الارض » که این همان عدالت تکوینی است. (شهید مطهری، 1374ش، پاورقی 55) عدل علاوه بر اینکه خود یکی از اصول پنجگانه دین است در سایر اصول نیز به نوعی وجود دارد.

### **نبوت:**

در قرآن کریم، هدف از فرستادن پیامبران اقامه عدل بیان شده است، انبیاء از سویی داعی به عدالت و از سوی دیگر خود مظهر عدل الهی بوده اند که کوشیده اند با طرفداری از محرومان و فقرا و دعوت ثروتمندان برای کمک، نیازمندان، سعی در از میان بردن تبعیض و بی عدالتی داشتند و بسیاری از آنان در راه انجام این اعمال، شکنجه دیدند، تبعید شدند و یا به شهادت رسیدند.

### **امامت:**

در کلاس شیعی از جمله شرایط امام عادل بودن اوست. که در بخش حکومت بیشتر به این موضوع می پردازیم:

### **معاد:**

معتقد بودن به عدل در معاد نوع نگرش در وجود انسان بوجود می آورد. فردی که چنین اعتقادی را پذیرفته است و به یقین می داند که « فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره » (زلزال 7-8): خود را آزاد و رها از هر قید نمی داند بلکه این باور او می شود که خود بر اعمالش زند. علاوه بر این اصول عدالت در جنبه های دیگری از شئون اسلامی نیز موثر بوده است که برخی از آنان را به اشاره بیان می کنیم:

**الف- احکام قضایی:** فقه اسلامی عمدتاً از دو سرچشمه قرآن و حدیث یا سنت آبیاری می‌شود و قرآن کریم نیز پر است. از امر به عدل و داد و احکام قضایی یکی از مواردی که برای برقراری عدالت در جامعه وضع شده است، احکام قصاص است که قرآن حیات انسان را در گروه عمل به آن می‌داند. (بقره: 179)

**ب: اقتصاد:** خمس و زکات از جمله احکامی هستند که برای از میان بردن فاصله‌های طبقاتی و پرکردن شکاف میان فقیر و غنی وضع شده، همچنین تأکید بر دادن قرض الحسنه، حرمت ربا و سایر موارد همه به منظور ایجاد عدالت اقتصادی وضع شده‌اند همچنین در احکام خرید و فروش از کم‌فروشی و انکار منع شده است. از یک سو خوردن مال یتیم مانند آتشی است که فرد در شکم خود فرو می‌برد و از سوی دیگر کمک به یتیمان از جمله بزرگترین عبادت محسوب می‌شود.

### **حکومت:**

حکومت و امامت دارای شئون مختلفی است که ما به بررسی جایگاه عدل در برخی از آنها می‌پردازیم. پیش از این بهتر است دیدگاه کلامی دانشمندان مسلمان در مورد مسئله عدل که منجر به نظرات مختلف در باب حکومت شده است را بیان کنیم.

دو گروه عمده کلامی در اسلام عبارتند از: (اشاعره و معتزله یا عدلیه). اساس تفکر اشاعره بر حسن و قبح شرعی استوار است. یعنی آنان معتقدند که عقل و درک آدمی بدون کمک مذهب نمی‌تواند خوبی و بدی اشیاء را دریابد. به بیان بهتر، آنها می‌پنداشتند که خوبی و بدی فی نفسه و مستقلاً در خارج موجود نیست و مذاهب است که خوبی و بدی را به اشیاء می‌دهد. و به تبع این نوع تفکر عبادت را نیز از امری برتر تنزل داده آن را امری مستقل برای سنجش اعمال نمی‌دانستند بلکه می‌کوشیدند هر ظلمی را توجیه کنند. دسته دیگر معتزله بودند که بر این باورند که اشیاء فی نفسه خوب یا بدند، آنها به حسن و قبح عقلی اشیاء معتقدند. طرز فکر اشاعره که بیشتر مورد قبول اهل تسنن واقع شده - آنان را وا می‌داشت که به توجیه ظلم حکومت‌های جائر پردازند. از نظر علی و شیعه حاکم باید عادل باشد و تنها حکومت پادشاه عادل مورد قبول است، و وظیفه‌ی حاکم نیز برقراری عدل و عدالت است.

### **قضاوت:**

امر قضاء از مواردی که در آن بسیار به عدالت سفارش شده است درست سخن گفتن، امانتداری، انجام ندادن فعل حرام، دوری از گناه و ربا و قابل اعتماد بودن در حال رضایت و غضب، شرایطی‌اند که یک قاضی باید تمامی آن‌ها را دارا باشد.

## امامت جمعه و جماعت:

در نظر تمامی شیعیان امام جمعه و جماعت باید عادل باشند اما اهل تسنن بنا بر نگرش اشعری خود قائلند که امام جمعه و جماعت و گاه حتی حاکم لازم نیست عادل باشند. البته لازم به توضیح است که عدل در اینجا معنای دوری از گناه و اصرار نداشتن بر انجام کبیره است.

## مفهوم عدالت در کتب مقدس (تورات و انجیل):

پیش از وارد شدن به این بحث ابتدا مطلبی را توضیح می‌دهیم: عدل در متون مسیحی و یهودی در دو معنا به کار می‌رود و یا می‌توان گفت به دو نوع تقسیم می‌شود:

1- عدل خدایی که انسان آن را با عمل خود بدست نمی‌آورد و بلکه فیض الهی آن را در انسان ایجاد می‌کند. (میکائیلیان 261): این عدل را علاوه بر فیض الهی می‌توان با خون مسیح و نیز ایمان بدست آورد. نتایجی که بر آن مترقب می‌شود عبارتست از: از بین رفتن مجازات و محکومیت، مصالحه با خدا، وارث حیات جاودانی شدن و ایجاد یک زندگی عادلانه.

2- عدلی که عبارت است از رعایت مساوات و قسط و یکی از اهداف منبعی موعود یهودیان و نیز مسیحیان بوده و نتیجه عدالت به معنای اول می‌باشد. هرچند که عهدین در مقایسه با قرآن کریم مسئله عدالت اجتماعی در زمان حال را آن طور که باید مورد توجه قرار نداده و یا با بیانی مبهم به آن پرداخته اند و بیشتر حکومت عدل را به زمان ظهور منجی موعول کرده اند. در عین حال که کمابیش به این مسئله پرداخته اند. بویژه در تورات که گذشته از دعوت به نیکی کردن با مردم که در انجیل نیز بیان شده احکام قصاص را شرح داده است.

در سفر لاویان فصل 24 جملات 18 الی 22 می‌فرماید: «کسی که نفسی از نفوس بنی آدم را بکشد البته کشته شود ... جان در عوض جان ... شکستن عوض شکستن، چشم عوض چشم، دندان، عوض دندان و ... و در آخر بیان می‌دارد که همه در برابر این قانون مساویند.

همچنین برای ایجاد تعادل اقتصادی در احکام یهودیان که در تورات آمده است: حکم شده که آنان باید مقدار مشخصی از محصول خود را بر زمین‌ها برای فقرا باقی گذارند و یا حتی خود فقرا باید بخشی از مالشان را به دیگر فقیران ببخشند به یهودیان امر شده که حق همسایه را پایمال نکنند، و با او به عدل رفتار کنند. در جای دیگر بیان شده که از جمله چیزهایی که خداوند از انسان انتظار دارد، انصاف

است. در فرهنگ مسیحی پا را از این فراتر میگذارد و ضمن بازداشتن پیروانش از مقاومت در برابر فرد شریر او را امر میکند که اگر بر گوش راستش نواختند گوش چپ خود را نیز جلو برد و یا اگر کسی خواست قباى او را بگیرد عبايش را نیز به او بدهد.

### **حکومت:**

در تورات و انجیل نیز مانند قرآن به ایجاد حکومت الهی اشاره شده است. در تورات بارها فرمانروایی یهودیان به مرکزیت شهر اوراشلیم به آنان نوید داده شده، اما وعده داده شده که این حکومت باید بوسیله مسیحای موعود ایجاد شود. در فرهنگ مسیحی نیز مسیحیان برای ایجاد حکومت الهی و برقراری عدالت می‌کوشند اما آنان معتقدند که باید از راه گفتگو به این هدف رسید و مبارزه مسلحانه را بعنوان آخرین راه می‌پذیرند. (میکائیلیان 175:)

### **انتظار موعود**

بحث انتظار و موعود از بحثهای اساسی و مهم در عهدین است که به کرات در مکاشفات یوحنا، مزامیر داوود (زبور) و ... تکرار شده است و عدالتی را که از پیروانشان دریغ شده است به زمان ظهور منجی موکول کرده‌اند. اسلام، مسیحیت و یهود هر سه بعنوان ادیان الهی، خدا را عادل می‌دانند و عدل را به عنوان ثمره حکومت صالحان و وعده الهی که خداوند پیامبران بزرگی چون ابراهیم داده است، می‌پذیرد. و با تمام وجود در انتظار برقراری این عدل جهانی اند.

البته در قرآن کریم هدف اصلی از ارسال رسل؛ اكمال مردم و رسیدن آنان به جایی که شایسته آنهاست، (جوادی آملی، 1381ش، 103) بیان شده است و از سوی دیگر انسان در جهانی مادی زندگی می‌کند و ماده بدلیل محدودیت محل تراحم هاست. انسان برای رسیدن به کمال نیازمند آرامش است، آرامشی که در سایه آن بتواند خود را و استعدادهايش را بشناسد و از سوی دیگر، نیروهایی در درون سلول انسان است که جز در مجتمع و در جامعه شکوفا نمی‌شود، واقعه منیت انسان را که تنها سد راه تعالی اوست به جز در سایه ی ایثار و گذشت که اموری اجتماعی اند، نمی‌توان کشت؛ پس نیاز به عاملیت است که روابط میان انسانها را تعدیل کند و ذهن آنها را از فکرهای مسموم و دلشان را از کینه‌ها پاک گرداند، و عدالت در اینها وسیله‌ای است که زمینه را برای کمال انسانی آماده می‌سازد.

### **فرازهایی از سخنان امام خمینی (ره)**

ما امروز، دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان، بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه ی روشن است و وعده ی خداوند تعالی

را نزدیک و نزدیکتر می‌کند. گویا جهان مهیا می‌شود برای طلوع ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و مستضعفان (امام خمینی (ره)، 1370، ش، ج 11، 18).

اما ما باید فراهم کنیم کار را فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای حضرت، سلام الله علیها (امام خمینی (ره)، 1370، ش، ج 198، 20).

### **3- نتیجه گیری:**

با توجه به آنچه در مورد اعتقاد به منجی در میان اقوام و ملل گوناگون در طول تاریخ و همه مناطق جغرافیایی زمین بیان شد و از آنجا که چنین مسایلی که همه زمانی و مکانی هستند مثل؛ خداجویی، ریشه در فطرت انسان دارند و گاهی بر اساس آنچه قرآن کریم اشاره می‌فرماید؛ دچار غفلت و فراموشی می‌شود، مسئله مهدویت نیز بدلیل فراگیر بودنش در طول زمان و مکان ریشه در فطرت پاک انسانی دارد، فطرتی که با تأکید بر آیه فطرت، ثابت و پایدار است و هرگز تغییر و تحولی در آن رخ نمی‌دهد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت؛ که گرایش پیروان ادیان الهی به ظهور مصلح جهانی و انتظار جامعه مظلوم و آیدة آل به دور از هرگونه ظلم و ستم و برقراری عدالت و صلح است و چنانچه که در بحث اعتقاد به منجی در ادیان الهی و نقش آن در زمینه سازی ظهور ذکر شد، باعث خودسازی فردی و اجتماعی و مبارزه با فساد و آلودگی‌ها و حل نشدن در محیط فاسد خواهد گردید که این خود زمینه ساز ظهور حضرت مهدی موعود و تحقق حکومت جهانی آن حضرت می‌باشد. اینکه مشاهده می‌گردد اعتقاد به یک منجی در میان قومی بزرگتر و پررنگتر و گاهی کمرنگ‌تر است و وابسته به وضعیت آن قوم و مقتضیات زمانی دارد. هر زمان که بشر بیشتر مورد ظلم و ستم واقع شده و امید او از یک نجات‌بخش عادی از قوم و تبار خود قطع شده است منجی فطری او تجلی بیشتری یافته است و پیوسته از خدای خویش او را طلب نموده است. ویژگی‌های منجی در میان اقوام و ملل گوناگون و اعتقادات آنها در این مورد جای هیچ تردیدی را باقی نمی‌گذارد و به اثبات می‌رساند که همانا او یکی بیش نیست و همانطور که خداوند وعده داده است و وعده او حق است خواهد آمد.

### **4- تعارض منافع:**

این مقاله تعارض منافع ندارد.

### **5- مشارکت نویسندگان (میزان مشارکت):**

سهم مشارکت نویسندگان در تهیه این مقاله برابر می باشد.

## منابع:

- قرآن کریم  
اصفهانى، راغب (1404ق). *المفردات فى غريب القرآن*، ج 2،  
پاورقى ص 761 .  
امام خمينى(ره)، روح الله (1370ش). *صحيفه نور*، مجموعه  
رهنمودهاى امام خمينى(ره)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، چاپ  
دوم، تهران.  
بحرانى، سيد هاشم (1393ش). *المحجّه*، مترجم اميرخان بلوكى،  
انتشارات وحدت بخش.  
پورسعيدآقايى، مسعود (تابستان 1384ش). *انتظار موعود*، قم، مركز  
تخصصى مهدويت انتشار.  
جوادى آملى، عبدالله (1381ش). *ولايت فقيه، ولايت فقاهدت و  
عدالت*، چاپ سوم، قم، مركز نشر اسراء .  
حاکم نيشابورى (373ق). *مستدرک على الصحيحين*، ج 4، ص 476 ح  
8234.  
دهخدا، علي اکبر (1377ش). *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.  
کارگر، رحيم (تابستان 1384ش). *انتظار موعود*، ش 16، محل قم،  
مركز تخصصى مهدويت.  
گلن، وپليام؛ مرتن، هنرى (1380ش). *کتاب مقدس عهد عتيق و عهد  
جديد: ترجمه فاضل خان همدانى*، چاپ اول، تهران، انتشارات  
اساطير.  
عياشى، محمد (1395ش). *تفسير العياشى*، مترجم: عبدالله صالحى،  
ناشر ذى القربى .  
فراهيدى، خليل (1409ق). *العين*، قم، موسسه دارالهجرة.  
قاضى زاهدى، احمد (1394ش). *موعود قرآن*، مترجم: محمد حسين  
رحيميان، ناشر روضة العباس.  
قندوزى، سليمان بن ابراهيم (1393ش). *بنابع الموده لذوى القربى*،  
چاپ اسوه، ج 235..  
مجلسى (1403ق). *بحار الانوار*، ج 51 و 52 .  
محمد حسن شراب، محمد (1373ش). *نور الابصار فى مناقب آل بيت*،  
ناشر دارالقلم - دارالشاميه.  
محمد بن سنان، *کامل الزيارات*، جلد 5، باب 18، 63 .  
مطهرى، مرتضى (زمستان 1374ش). *عدل الهى*، چاپ نهم، انتشارات  
صدرا.  
میکائيليان، الهيات مسيحي، هندی تسين، انتشارات حياى ابدى، بى جا  
و بى تا.

هروى، عبدالسلام، عيون الاخبار الرضا(ع) ، ب 28، 212 .